

یادداشت روز

دلم خوش که نامم کیوتر حرم است



نامر ملک‌مطیعی

● ذوالنون مصری، حکیم و عارف مشهور، داستان شیرینی دارد که سراسر تجربه و پند و اندرز است. گوید روزی در کعبه مشغول زیارت بودم. جوانی را دیدم لاغر، زرد و نحیف که به زیارت مشغول بود. پرسش از حالش کردم که پسرم چرا این‌قدر زرد و لاغر شده‌ای؟ آیا دردی و مشکلی داری؟ با عاشقی و معشوق تو را به این حال درآورده؟ گفت نه، معشوق به کامم است، معشوق از هم دور هستی؟ گفت در خانه کنار هم هستیم. گفتم مشاخره ب گفت‌وگویی با هم دارید؟ گفت نه. مثل شیر و شکر به هم آمیخته‌ام. گفتم جوانک، پسر، پس چرا این‌قدر زرد و لاغر شده‌ای؟ مگنی کرد و گفت: از مرحله دوری پدر. بهتر است از این مسئله درگذری. التماس کردم و گفتم مشتاق سبب و علت این حال هستم. گفت: محنت قرب و نزدیکی بیشتر از این دوری است. بیم از دست‌دادن معشوق و زوال، چنین‌ام کرده. نگرانی و دلهره در قرب، آدمی را از پا درمی‌آورد؛ اما در بعد امیدواری فراوان است. فکر اینکه روزی به معشوق خواهیم رسید و امید شیرین‌کامی، روح و جان‌مان را تازه می‌کند. «روز ملی سینما» بر همه سینماگران جهانی و بر شما مبارک باد. داستان ذوالنون، عارف عالی‌قدر، برایم بهانه‌ای شد. همه این سال‌ها در بعد و دوری و تاریکی و انزوا، روشنی‌ها را تماشا می‌کردم و امید و آرزویم این بود که در آینده‌ای نزدیک در خیل سیمرغ‌ها و پرواز خیالات و آرزوهای نوجوانی شرکت کنم. شکر و سپاس فراوان که به لطف پروردگار و محبت و توجه مدیران سینما، عروسی به کوچه‌ما هم رسیده. شب‌دلی و دل‌بستگی روزگار نوجوانی، دیوارهای زیبا داشت. باقی‌مانده‌ای از نسل گذشته سینما هستم. عاشقانه دست خالی شروع کردم. خالصانه و صادقانه بگویم محبت و صفای هم‌وطنان خوب مرا به اینجا رسانده است که در سرافرازی و سربلندی سینمای ملی سهیم باشم. به همه همکاران عزیزم، چه آنهایی که بین ما نیستند و چه آنهایی که عاشقانه در خدمت سینما هستند، ادای احترام می‌کنم. امیدوارم شایستگی همراهی و همدلی و هم‌گامی نسل جوان سینمای ملی را داشته باشم. در فصل‌های پایانی زندگی توانایی لازم را ندارم؛ اما قدر این نزدیکی را می‌دانم. با عشق آمده‌ام و با ارادتی تمام‌نشدنی در خدمت سینمای ملی خواهم بود. به قول و گفتار ذوالنون، معشوق به کامم است و وظیفه سنگین و دشواری در راه، در پرواز و کوک سیمرغ‌ها هم‌اوازم. دلم خوش است که نامم کیوتر حرم است. روز ملی سینما مبارک.

زیر آسمان فیروزه ای

«چندمترمکعب عشق» رکورددار جوایز خانه سینما

● هفدهمین جشن خانه سینما برگزیدگانش را شناخت و در میان فیلم‌هایی چون «قصه‌ها»، «در دنیای تو ساعت چند است؟» و «چندمترمکعب عشق»، بیشترین جوایز سه‌م فیلم سینمایی «چندمترمکعب عشق» شد. در این فیلم، جمشید محمودی تدبیس بهترین استعداد تازه، آبتین برقی، بهترین طراحی صحنه، نادر فلاح، بهترین نقش مکمل مرد، سپیده عبدالوهاب، بهترین تدوین، ساعد سهیلی، بهترین بازیگر نقش اول مرد، جمشید محمودی، بهترین فیلم‌نامه و بهترین کارگردانی و نوید محمودی بهترین فیلم را کسب کردند. فیلم سینمایی «در دنیای تو ساعت چند است؟» نیز جوایزی را به خود اختصاص داد و امیرحسین قاسمی، جایزه بهترین صداگذاری، ایرج رامین‌فر، بهترین طراحی لباس و همایون پایور، بهترین فیلم‌برداری را دریافت کردند. فیلم سینمایی «ماهی و گریبه» نیز در رشته‌های مختلف جوایزی کسب کرد. بابک یادگارن، بهترین پوستر، پرویز آبنار، بهترین صدابرداری و کریستف رضاعی، بهترین موسیقی شدند. برای فیلم سینمایی «نهنگ عنبر» نیز حمید رسولیان، جایزه بهترین جلوه‌های ویژه میدانی و سعید ملکان، جایزه بهترین چهره‌پردازی را کسب کردند. پاتنه‌آ پناهی‌ها برای فیلم سینمایی «گس» برگزیده بهترین نقش مکمل زن و مریلا زارعی برای فیلم «شیار ۱۴۳» برگزیده نقش اول زن شد.

سحر آزاد، آیی‌وی‌وی که بعد از چهارسال توانسته از کشور خود خارج شود، پس از ورود به انگلستان از کشورهای غربی خواست کمک بیشتری به پناه‌جویان بکنند.

آیی‌وی‌وی به‌عنوان هنرمند چینی منتقد و معترضی شناخته می‌شود که در سال ۲۰۱۱ به مدت ۸۱ روز از سوی مأموران مخفی چین در حبس نگهداری شد. آن زمان دولت چین به دلیل ترس از راه‌اندازی انقلاب یاس بر فعالان اجتماعی سخت‌گیری زیادی می‌کرد و به‌همین‌دلیل دولت چین هم آیی‌وی‌وی را به «جرایم اقتصادی» و قرار از پرداخت مالیات متهم کرد. به‌دنبال آن بود که گذرنامه آیی‌وی‌وی از سوی دولت چین توقیف شد تا اینکه مرداد سال جاری، گذرنامه‌اش به او برگردانده شد. او ماه پیش به آلمان سفر کرد؛ کشوری که پسرش در آن زندگی می‌کند و ویزای چهارساله به آیی‌وی‌وی داد. این در حالی است که او قبلا از دولت انگلستان برای رد درخواست ویزا به‌منظور ورود به این کشور انتقاد کرده بود. قرار است ۱۹ سپتامبر آیی‌وی‌وی از آتار او در آکادمی سلطنتی هنر انگلستان برگزار شود و او در نظر داشت برای افتتاحیه این

گزارش میدانی «شرق» از وضعیت سینماها در ۲۱ شهریور

روز خاموش سینما

بهنا شبر بیان



روز-خارجی-خیابان‌شریعتی
تنها یک روز در سال به اسم روز ملی سینما نام‌گذاری شده، روزی که متعلق به اهالی سینما و سینماوستان است. در طول مسیر هرچقدر به در و دیوار شهر نگاه می‌کنم اثری از تبلیغ محیطی پاسداشت چنین روزی نمی‌بینم. از طرف دیگر رسانه ملی هم آن‌طور که باید، برای اطلاع‌رسانی چنین روزی خصوصا از این بابت که بلیت‌های سینماها نیمه‌پا خواهد بود، به مردم آگاهی ندهاد. طبعاً با این شرایط طبیعتاً وسیعی از مردم در جریان چنین روزی نیستند. اطراف سینما فرهنگ نشانی از ازدحام و استقبال مردم نیست. لای سینما نیز همین وضع را دارد و با روزهای عادی هیچ فرقی نمی‌کند. تنها تعداد اندکی در صندلی‌های لابی نشسته‌اند و منتظر آغاز اکران فیلم هستند. سارا افشاری، یکی از کسانی است که برای دیدن «دوران عاشقی» به سینما آمده است. او از آن دست افرادی است که معمولاً سالی یکی، دوبار به سینما می‌آید و با اینکه فکر می‌کردم طبعاً بلیت نیمه‌پا توانسته او را در روز ملی سینما به دیدن فیلم ترغیب کند چنین نبود و به‌هیچ‌وجه از چنین روزی خبر نداشت. وقتی از او دلیل انتخاب این فیلم را می‌پرسم، می‌گوید که تعریف این فیلم را شنیده‌ام است و امروز فرصت کرده تا برای دیدنش به سینما بیاید. می‌گوید بین فیلم‌های اکران‌شده، «دوران عاشقی» را ترجیح می‌دهد و با اینکه تعریف فیلم محمدرسول‌الله(ص) را شنیده؛ اما اساساً فیلم‌های دینی و مذهبی را نمی‌پسند. کمی آن‌طرف‌تر، دو دختر کم‌سن‌وسال نشسته‌اند، با هم یک می‌زنند و گهگاهی بلند می‌زند زیر خنده. وقتی از آنها دلیل حضورشان را می‌پرسم می‌گویند تنها برای گذران وقت خالی به سینما آمده‌اند و معمولاً در ماه به سینما زیاد سر می‌زنند. وقتی به آنها می‌گویم که امروز «روز ملی سینما» است و آیا این را می‌دانستند، با تعجب نگاه می‌کنند. فکر می‌کردند طبق معمول دلیل نیمه‌پاگردن بلیت‌ها تنها به دلیل خلوت‌بودن سینما در ساعات بین صبح تا ظهر بوده است. گشتی در سینما فرهنگ می‌زنم، طبعاً باید این سینما را با سینمایی دیگر مقایسه کرد و بعد از آن به نتیجه‌گیری درباره رونق سینماها در چنین روزی رسید.

روز-خارجی-خیابان‌بهشتی

یکی، دوفتری که روی پله‌های بیرونی سینما نشسته‌اند، جمعیتی خارج از سینما دیده نمی‌شود. دقیقاً دو سال پیش بود که بلیت سینما در روز ملی سینما رایگان اعلام شد. در این سال تمامی سانس‌های سینماها پر از جمعیت بود آن‌قدر که کارکنان سینما آزادی از این‌همه استقبال حیرت کرده بودند. وارد سینما می‌شوم. تقریباً فضایی مشابه سینما فرهنگ بر این سینما حاکم است؛ سوت و کور، دختر و پسر جوان منتظر نمایش فیلم «قندون جهیزه» نشسته‌اند. از آنها درباره «روز ملی سینما» می‌پرسم و اینکه آیا دلیل حضورشان در این ساعت از روز در سینما آزادی همین است؟ پسر جوانی که

نمایشگاه به این کشور سفر کند. هرچند او روز جمعه وارد لندن شد اما نحوه گرفتن ویزای انگلستان برای او به‌دور از حاشیه نبود. او هنگام سفر به آلمان ادعا کرد که اداره مهاجرت انگلستان برنامه او را به‌هم ریخته است؛ چراکه به‌جای دادن ویزای شش‌ماهه کسپ‌وکار به دلیل اینکه او قبلاً دارای محکومیت کیفری در چین بوده است، تنها ۲۰ روز به او ویزا داده‌اند. بعد از اینکه او مقامات انگلستان را متهم به پشت‌کردن به مدافعان حقوق بشر، کرد، ترزا می، وزیر کشور انگلستان، به صورت شخصی به بررسی پرونده درخواست ویزای آیی‌وی‌وی پرداخت و بعد از آن

درخواست آیی‌وی‌وی از غربی‌ها:

به پناه‌جویان کمک بیشتری کنید

دستور داد به آیی‌وی‌وی ویزای شش‌ماهه داده شود، و با فرستادن نامه‌ای، از این هنرمند معذرت خواست، این هنرمند چینی حالا بعد از پنج‌سال وارد لندن شده و یک هفته پیش از افتتاح نمایشگاه خود به موضوع پناهندگان اشاره کرده است.

آیی‌وی‌وی از کشورهای غربی خواست کمک بیشتری به پناه‌جویان بکنند: «واقعاً یک موقعیت اضطراری است. در این شرایط به تلاش کشورهای مختلف جهان نیاز است. من فکر می‌کنم کشورهای غربی باید به یکدیگر کمک کنند تا شرایط بهتر و راه‌های مناسب‌تری برای سروسامان‌دادن به این شرایط فراهم شود».

به گزارش خبرگزاری

کیومرث پوراحمد به بهانه اعلام جوایز جشن سینما

در داوری نباید جوگیر شد

عسل عباسیان



عسل عباسیان، مدیر جشن سینما

هفدهمین جشن خانه سینما در حالی با اهدای اغلب تندیس‌های اصلی به فیلم «چندمترمکعب عشق» به کار خود پایان داد که خبر منتشره از طرف یک سایت مبنی‌بر «حذف یک فیلم از فهرست جوایز این جشن» ابهاماتی را مطرح کرد. البته همایون اسعدیان، (دبیر این جشن)، در این مراسم در واکنش به خبر این سایت سینمایی مبنی‌بر اینکه دست‌اندرکاران هفدهمین جشن سینمای ایران به دلیل فشارهای بیرونی مجبور به دست‌کاری در آرای داوران شده‌اند، گفت: «این صحبت بیش از اینکه توهین به دست‌اندرکاران برگزاری این جشن باشد، توهین به مسئولان است. «شرق» ضمن احترام به رای و نظر داوران معتقد است غیبت فیلم‌هایی همچون «ماهی و گریه» و «قصه‌ها» که به‌گواه بسیاری از منتقدان سینما، شایستگی نمایندگی ایران در انتخاب امسال را دارند، در فهرست دریافت‌کنندگان این جشن خالی از انتقاد نیست. از این‌رو با کیومرث پوراحمد درباره حواشی داوری این جشن گفت‌ووی کوتاهی کردم.

۴ در جشن خانه سینما، اکثر جوایز به فیلم «چندمترمکعب عشق» داده شد. به‌نظر شما، برگزیدن یک فیلم در جشن و انتخاب این فیلم‌ها دیگری مثل «قصه‌ها» متصفانه بود؟
واقعیت این است که من فیلم «چندمترمکعب عشق» را ندیده‌ام و نمی‌دانم مستحق این‌همه جایزه هست یا نه، اما «ماهی و گریه» و «هشت‌بار، «پرویز» را هم هشت‌بار و «قصه‌ها» را شش‌بار در سینما و دوبار قبل از اکران که دیده‌ام! نمی‌توانم تصور کنم «چندمترمکعب عشق»، خیلی برتر از این فیلم‌ها بوده. چنین اتفاقی نشان می‌دهد که ۴۰ نفر داور، فقط رای داده‌اند، بی‌هیچ بحث و چالشی، خب رای هر کس می‌تواند بدهد ولی برای داوری یک جایزه، چهارنفر آدم سروزبان‌دار اهل تحلیل دلسوز متعهد، باید بحث ایجاد کنند، و افراد را درگیر انتخاب‌شان کنند. داوری یعنی به‌نتیجه‌رساندن آن. در چنین اتفاقی نه‌فقط داوران، که آقای اسعدیان و میری و میرکریمی هم نقش دارند. اینکه همه فقط رای‌هایشان را بدهند، اسمش دموکراسی نیست. یعنی داوران یک جشن نباید خط‌مشی داشته باشند؟ یا دبیر جشن نباید به داوری فشار بدهد و آنها را متوجه دیگر فیلم‌ها کند؟ سالی که خسرو شکیبایی برای «اتوبوس شب» کاندیدا شد، برای فیلمی دیگر هم نامزد شد. من تعجب کرده بودم چطور برای آن فیلم هم نامزد شده. چون هم آن فیلم، فیلم بدی بود و هم خسرو در آن فیلم خوب نبود. نهایتاً برای «اتوبوس شب» جایزه گرفت ولی محبت موقع فکر کردم، واقعاً آنهایی که داورند چه درکی از بازیگری دارند؟ و بر چه اساسی کاندیدا انتخاب می‌کنند.

ببینید ۴۰ داور، نهایتاً در رشته‌های مختلف، «چندمترمکعب عشق» را برگزیده‌اند. اگر از این ۴۰ نفر، چهار نفر همه آن تحلیل و بحث بودند، حتماً امکانش را داشتند که بحث ایجاد کنند. باید دید آنها اهل تحلیل نبودند یا امکانش را نداشتند؟ اگر امکانش را نداشتند که اشکال از برگزارکنندگان است و اگر امکان داشته‌اند و بحث نکرده‌اند، که ب‌بی‌اعتمادی بالایی بین داوران بوده و امکان بحث‌کردن ایجاد نمی‌شده. به نظر ما اشکال اساسی در فرمول و نحوه رای‌گیری است.

دوره‌ای که خودم دبیر بودم، داوری یک‌مرحله‌ای بود و ما از آرا راضی بودیم. زمان سیف‌الله داد که در وقت‌آماده و به کارهای معمولشان سرگرم. روزی سینما نیز در این هیاهو گم می‌شود.

۴ خاطرات هست که در دوره‌های قبلی هم چنین اتفاقی افتاده باشد؟

دوره‌ای که خودم دبیر بودم، داوری یک‌مرحله‌ای بود و ما از آرا راضی بودیم. زمان سیف‌الله داد که در وقت‌آماده و به کارهای معمولشان سرگرم. روزی سینما نیز در این هیاهو گم می‌شود.

سالی که خسرو شکیبایی برای «اتوبوس شب» کاندیدا شد، برای فیلمی دیگر هم نامزد شد. من تعجب کرده بودم چطور برای آن فیلم هم نامزد شده. چون هم آن فیلم، فیلم بدی بود و هم خسرو در آن فیلم خوب نبود. نهایتاً برای «اتوبوس شب» جایزه گرفت ولی محبت موقع فکر کردم، واقعاً آنهایی که داورند چه درکی از بازیگری دارند؟ و بر چه اساسی کاندیدا انتخاب می‌کنند.

ببینید ۴۰ داور، نهایتاً در رشته‌های مختلف، «چندمترمکعب عشق» را برگزیده‌اند. اگر از این ۴۰ نفر، چهار نفر همه آن تحلیل و بحث بودند، حتماً امکانش را داشتند که بحث ایجاد کنند. باید دید آنها اهل تحلیل نبودند یا امکانش را نداشتند؟ اگر امکانش را نداشتند که اشکال از برگزارکنندگان است و اگر امکان داشته‌اند و بحث نکرده‌اند، که ب‌بی‌اعتمادی بالایی بین داوران بوده و امکان بحث‌کردن ایجاد نمی‌شده. به نظر ما اشکال اساسی در فرمول و نحوه رای‌گیری است.

فرانسه، این موضوع آشکار می‌کند که او کاری را در مورد موقعیت پناه‌جویان در حال ساخت دارد. درخواست او درحالی مطرح شده است که بیش از صد چهره فرهنگی انگلستان همچون بندیکت کامبرج و کایرا نایتلی بیانیه‌ای را خطاب به دولت خود مبنی‌بر پذیرش پناه‌جویان بیشتر امضا کرده‌اند. آیی‌وی‌وی همچنین گفت که از استقبال «متمدانانه» آلمان‌ها که ورود ۸۰ هزار پناه‌جو به کشورشان در سال جاری را پیش‌بینی کرده‌اند، احساس غرور کرده است. او از این پس قرار است زمان خود را میان برلین و پکن تقسیم کند. برلین شهری است که او دوست دارد در آن تدریس کند اما پکن جایی است که او متذکر شده باید بسیار مراقب باشد: «آنجا همواره سانسور و خودسانسوری وجود دارد مگر آنکه نخواهید غصه بخورید یا کارتان را نمایش دهید».

آیی‌وی‌وی که نمایشگاه‌های در لندن از ۱۹ سپتامبر (۲۸ شهریور) تا ۱۳ دسامبر (۲۲ آذر) برگزار می‌شود، در بخشی از صحبت‌هایش عنوان کرد: «پسر» در مورد اینکه هرگز اجازه خروج از چین به او داده شود، کابوس داشته است».

دیگر داوران بر یک فیلم اصرار داشتند و من احساس می‌کردم این‌طوری همه جوایز به سمت آن فیلم می‌رود و فیلم «سوزمین خوش‌شید» که فیلم قابلی است، اصلاً دیده نمی‌شود. سر این موضوع بحث درانداختم و دیگران را درگیر بحث کردم و بیش از همه یادم هست با ملک جهان خراعی چالش داشتم. درواقع آن زمان، این‌طور نبود که فقط رای بدهیم.

۴ در فجر چطور؟ این یک‌صدایی داوران تجربه شده بود؟
سالی که «آژانس شیشه‌ای» در فجر بود، همه آرا به سمت این فیلم رفت. بعد از جشنواره، جمشید اکرمی که به ایران آمده بود را دیدم و او گفت این دیگر رای داوری نبود، صدور مانیفست سیاسی بود. حرفش را که شنیدم، احساس کردم راست می‌گوید، ما جوگیر شده بودیم. همه هم‌نظر بودیم و اصلاً چالشی هم به وجود نیامد. یک دوره دیگر هم در داوری فجر، من، جوزانی، منوچهر محمدی، بابک بیات و... دور بودیم و سر فیلم «به همین سادگی» و «آواز گنجشک‌ها» چالش‌های بسیاری داشتم. درواقع آخرین مرحله داوری، صدور رای است. بحث و هشدار در آن مهم است. برگزارکنندگان هم، مسئول انتخاب هستند.

۴ در یک کلام بگویید به نظر شما چه می‌شود که یک فیلم اکثر جوایز را می‌گیرد و فیلم‌های دیگری که مستحق بودند، هیچ جایزه‌ای نمی‌گیرند؟
این شاید ناشی از جوگیرشدن داوران است والا چطور ممکن است تماشاگری مثل من که مدت‌هاست سینمای ایران را دنبال می‌کنم و حتی حاضر نیستم یک‌بار هم فیلمی را در سالن سینما ببینم، چون موبایل‌های روشن مردم آزارش می‌دهد، آن‌وقت «پرویز» و «ماهی و گریه» و «قصه‌ها» را بارها در سالن می‌بینم و داوران، اصلاً این فیلم‌ها را در انتخاب‌هایشان نمی‌بینند؟ منظور من این است که این فیلم‌ها آن‌قدر زیاد، به‌خصوص در جشنواره‌ها راکنجاکو کند بارها ببیندشان. چطور می‌شود فیلم دیگری اکران شده باشد و همان تماشاگر، حتی ندیده باشدش و فیلم این‌قدر مهم باشد، ولی در زمان اکران آن‌قدر تأثیر نداشته باشد که تماشاگری که سینما را دنبال نمی‌کند کنجاکو کند تا حداقل یک‌بار آن را ببیند. در این اتفاق، نحوه رای‌دادن و جهت‌دهی برگزارکنندگان را مؤثر می‌دانم.

سالی که خسرو شکیبایی برای «اتوبوس شب» کاندیدا شد، برای فیلمی دیگر هم نامزد شد. من تعجب کرده بودم چطور برای آن فیلم هم نامزد شده. چون هم آن فیلم، فیلم بدی بود و هم خسرو در آن فیلم خوب نبود. نهایتاً برای «اتوبوس شب» جایزه گرفت ولی محبت موقع فکر کردم، واقعاً آنهایی که داورند چه درکی از بازیگری دارند؟ و بر چه اساسی کاندیدا انتخاب می‌کنند.

ببینید ۴۰ داور، نهایتاً در رشته‌های مختلف، «چندمترمکعب عشق» را برگزیده‌اند. اگر از این ۴۰ نفر، چهار نفر همه آن تحلیل و بحث بودند، حتماً امکانش را داشتند که بحث ایجاد کنند. باید دید آنها اهل تحلیل نبودند یا امکانش را نداشتند؟ اگر امکانش را نداشتند که اشکال از برگزارکنندگان است و اگر امکان داشته‌اند و بحث نکرده‌اند، که ب‌بی‌اعتمادی بالایی بین داوران بوده و امکان بحث‌کردن ایجاد نمی‌شده. به نظر ما اشکال اساسی در فرمول و نحوه رای‌گیری است.

سالی که خسرو شکیبایی برای «اتوبوس شب» کاندیدا شد، برای فیلمی دیگر هم نامزد شد. من تعجب کرده بودم چطور برای آن فیلم هم نامزد شده. چون هم آن فیلم، فیلم بدی بود و هم خسرو در آن فیلم خوب نبود. نهایتاً برای «اتوبوس شب» جایزه گرفت ولی محبت موقع فکر کردم، واقعاً آنهایی که داورند چه درکی از بازیگری دارند؟ و بر چه اساسی کاندیدا انتخاب می‌کنند.

ببینید ۴۰ داور، نهایتاً در رشته‌های مختلف، «چندمترمکعب عشق» را برگزیده‌اند. اگر از این ۴۰ نفر، چهار نفر همه آن تحلیل و بحث بودند، حتماً امکانش را داشتند که بحث ایجاد کنند. باید دید آنها اهل تحلیل نبودند یا امکانش را نداشتند؟ اگر امکانش را نداشتند که اشکال از برگزارکنندگان است و اگر امکان داشته‌اند و بحث نکرده‌اند، که ب‌بی‌اعتمادی بالایی بین داوران بوده و امکان بحث‌کردن ایجاد نمی‌شده. به نظر ما اشکال اساسی در فرمول و نحوه رای‌گیری است.

یک اتفاق ساده

وزیر ارشاد و ابهام در تصمیمات بی‌فشار



کیوان کتیریان

● ۱. وزیر محترم ارشاد در ضیافت روز ملی سینما درباره بخشی از انتقادات وارده نسبت به عملکرد خود پاسخ داد. آقای جنتی به صراحت عنوان کرد که به‌هیچ‌وجه زیر فشار رسانه‌ها و حتی تحت‌تأثیر موضوع نمایندگان مجلس تصمیم نمی‌گیرد و تصمیم‌های گرفته‌شده متعلق به خود ایشان است. گرچه در ادامه، این جملات را نقض کرد و درباره علت تغییر نام جشنواره فجر به ایران و برعکس، ضمن استفاده از کلمه «مجبور» گفت که بعد از جنجال‌هایی که بر سر این تغییر به وجود آوردند، مجبور شدیم که برای آنکه بهانه را در دستان بگیریم، نام جشنواره را برگردانیم! اول اینکه اگر این عقب‌نشینی، تأثیر فشار رسانه‌ها و مجلس نیست پس چیست؟ دوم آنکه اگر وزیر ارشاد تصمیماتش را خودش با میل و رغبت می‌گیرد و ایستادن پای پروانه نمایش «قصه‌ها» را به رخ می‌کشد، نظرش درباره جلوگیری از اکران «عصبانی نیستم» و «خانه پدری» چیست؟ یعنی باید فرض را بر این بگذاریم که ایشان رأس تصمیم گرفته با وجود پروانه نمایش، «خانه پدری» را پس از دو روز بایمن بکشد و «عصبانی نیستم» را هم به محاق ببرد! اگر این‌طور است که اعلام کنند تا تکلیف‌مان را با ایشان بدانیم. آقای جنتی در بخش دیگری از سخنانش، وعده داد تا به‌واسطه تحقق توافق هسته‌ای و تزریق پول بیشتر به حوزه فرهنگ، مشکلات فرهنگ و سینما حل شود. نمی‌دانم چرا وزیر محترم احساس کردند که مشکل اصلی سینما پول است. نمی‌دانم از کجا به این نتیجه رسیده‌اند که پول می‌تواند شجاعت و اتمتاده‌به‌نفس و قاطعیت برای مدیر به ارمغان بیاورد! احمدرضا درویش چندروز پیش در مراسم برگرداشت به درستی گفت که جامعه به عالمان اندیشه‌ورز نیاز دارد. به کماتنه به همان اندازه، جامعه امروز به مدیر شجاع، صادق و قاطع هم نیازمند است.

۲. گروه هنروتجربه یک‌ساله شد. این گروه موفق توانست باب جدیدی را در سینمای ما باز کند؛ موجب دیده‌شدن چندین جوان مستعد و خلاق شود، پای فیلم‌های متفاوت و باارزش را به سالن‌های نمایش عمومی باز کند، باعث دیده‌شدن فیلم‌ها و فیلم‌سازان مستند و کوتاه شود، به سلیقه متفاوت عده‌ای از مخاطبان سینما احترام بگذارد، تنوع و تحرکی تازه در حوزه اکران پدید آورد و مهم‌تر از همه آنکه توانست تن برخی تهیه‌کنندگان بازاری را برلزدان. در این یک‌سال برخی انتقادهای منطقی یا بی‌منطق به هنروتجربه وارد شد و بسیاری هم از آن حمایت کردند. حالا که این گروه یک‌سال از فعالیتش را سپری کرده، وقت آن است که با هدف تقویت و تثبیت، آسیب‌شناسی بی‌تعارف درباره آن انجام گیرد تا نقاط ضعف، به‌طور جدی بررسی شود و آسیب‌ها به حداقل برسد. آنچه مسلم است اینکه گروه هنروتجربه نباید به کانون تجمع فیلم‌هایی بدل شود که به‌دلیل کیفیت پایین، پشت خط مانده‌اند، بلکه باید مرکزی باشد برای نمایش فیلم‌های خوب، باکیفیت و متفاوت که فضاهای تازه‌ای در مضمون تا ساختار تجربه کرده‌اند و جذابیتشان را از همین نامتعارف‌بودنشان و تجربه متفاوتشان کسب می‌کنند ولی به‌درازمدت، قابلیت نمایش در سینماهای متعارف را نداشته‌اند. حالا که می‌شود در میان فیلم‌ها به‌اکران درآمده این گروه، برخی از این فاکتورها نادیده گرفته می‌شوند و اتفاق همین فیلم‌ها با کمترین استقبال مواجه می‌شوند و بهانه به دست بهانه‌جویان می‌دهند. برخی فیلم‌ها کیفیت لازم را ندارند، برخی تجربیات موقفی به حساب نمی‌آیند و بعضی از آنها متفاوت‌بودنشان به جذابیت منجر نشده است. باید ادعان کرد که تعداد چنین فیلم‌هایی در میان همه آثار اکران‌شده در یک‌سال اخیر اصلاً زیاد نیست ولی با وجود نام‌هایی که در شورای سیاست‌گذاری این شورای دیده می‌شود، توقع به‌حقاقل‌رسیدن خطا، انتظار زیادی نیست. با تمام اینها، هنروتجربه، همچنان بهترین اقدام سازمان سینمایی پس از بازگشایی خانه سینماست.

خبر ویژه

برگزاری رقابت هنری در دنیای مجازی

● نقاشان جوان زیر ۳۵ سال ایرانی در یک رقابت مجازی شرکت کردند و آثار خود را در معرض داوری مردم و هیات‌داوران قرار دادند. کالری نقاشی پارس‌آتلاین، به‌عنوان بخشی از پروژه مسئولیت اجتماعی این شرکت، در قالب یک رقابت هنری در فضای مجازی شرکت و شکر داشت که با مشارکت انجمن هنرمندان نقاش ایران و بنیاد فیض‌نیا از ۲۵ تیرماه ۱۳۹۴ آغاز شد. در این رقابت مجازی، به دو هنرمند جوان برگزیده از سوی مردم و هیات‌داوران، فرصت سفر مطالعاتی به ایتالیا و بازدید از دوسالانه دینو دزینی می‌شود و شش برگزیده هیات‌داوران نیز از سوی شرکت پارس‌آتلاین برای حضور در یک دوره توسعه قابلیت‌های هنری حمایت خواهند شد. یکی از اقدامات انجام‌شده برای ترویج این هنرمندان جوان، نمایش آثار آنها روی بلیوردهای حدود ۱۳ شهر ایران است که از دوم تا بیست‌وپنجم شهریور به نمایش درآمده‌اند.

هینر تجربه
Hiner Experience
Asian Representation
Asian Representation

برنامه سینمایی
پرویس سینمایی فرهنگ
پرویس سینمایی کوروش
خانه هنرمندان
موزه سینما
پرویس سینمایی هویزه (مشهد)
تالار سینمایی سوره (اصفهان)
کابری (کرگان)
ساحل (امور)

aecinema.ir

روغن مار
کارگردان:
علیرضا داودنژاد